



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بختمان در آیه ۵۵ از سوره مائده: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۱</sup> بود که پنجمین آیه ای است که شیخ اعظم انصاری برای اثبات ولایت اهل بیت علیهم السلام به آن استدلال کرده، گفتیم بحثهای فراوان کلامی فقهی تاریخی روائی رجالی و تفسیری در مورد این آیه صورت گرفته است و خلاصه در اساس مبانی شیعه و در میان علماء ما اختلافی در این رابطه که مراد از وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ حضرت امیر علیه السلام است وجود ندارد و کلاً مفاد آیه این است که می خواهد ولایت به معنای تصرف تدبیری در امور و مدیریت جامعه و نه به معنای ناصر و محب را برای سه نفر تثبیت کند؛ اول خدا، دوم رسول و سوم وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ که مراد حضرت امیر علیه السلام است و تا قرن پنجم و ششم حتی در بین عامه مسلم بوده که مراد حضرت امیر علیه السلام است اما بعداً امثال فخر رازی در این آیه خدشه کرده اند که ما اشکالات آنها و جوابش را بیان کردیم و امروز خلاصه مطلب را از کلام آیت الله طباطبائی رحمه الله علیه در جلد ۶ تفسیر المیزان بیان می کنیم.

اولین اشکال فخر رازی و امثاله این است که در وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ صیغه جمع بکار رفته درحالی که شما آن را به یک فرد یعنی حضرت علی علیه السلام تفسیر می کنید و چنین استعمالی لغتاً صحیح نیست فلذا نباید در قرآن که در اعلی درجه

فصاحت و بلاغت قرار دارد چنین استعمالی بکار رفته باشد.

آیت الله طباطبائی در جواب می فرمایند ما در آیه مباحله: ﴿نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ﴾ از این اشکال جواب داده ایم به این بیان که بکار بردن صیغه جمع و اراده کردن واحد دوجور است؛ گاهی ما چیزی که لغتاً برای جمع وضع شده در مفرد استعمال می کنیم یعنی از آن لفظ جمع یک فرد خاصی را اراده می کنیم که این غلط است اما گاهی ما صیغه ی جمع بکار می بریم و معنای جمع نیز اراده می کنیم ولیکن قرائنی وجود دارد که یک فردی مورد نظر است که این صحیح است و در قرآن کریم نیز زیاد بکار رفته مثل اینکه گفته شده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ﴾<sup>۲</sup> که در این قضیه یک نفر یعنی حاطب بن أبی بلتعنه برای کفار مکه نامه نوشته اما در آیه جمع به کار رفته و جمع معنی خودش را دارد ولیکن وقتی برای یک نفر خطاب می شود مراد آن شخص و کسانی که همفکر او هستند می باشد یعنی در آیه یک حکم کلی وجود دارد منتهی موردش طوری بوده که بر حضرت امیر علیه السلام تطبیق شده و همه فهمیده اند که مراد حضرت می باشد، به عبارت دیگر حضرت امیر علیه السلام درحال رکوع تصدق داد و مراد از آیه ایشان می باشد اما حالا اگر شخص دیگری پیدا شد که همین کار را کرد مشمول آیه می شود منتهی فعلاً حضرت امیر مراد می باشد مگر اینکه این عمل را یکی دیگر از ائمه که همگی با هم برابرند انجام دهد و در اصول کافی نیز بابی منعقد شده با این عنوان که تمام ائمه در علم و شجاعت و سخاوت و کل صفات مساوی هستند منتهی زمان اقتضاء می کند که گاهی یکی از آنها شجاعت را بروز دهد و گاهی دیگری سخاوت و یا علم را

<sup>۲</sup> سوره آل عمران، آیه ۶۱.

<sup>۳</sup> سوره ممتحنه، آیه ۱.

<sup>۱</sup> سوره مائده، آیه ۵۵.

ظاهر کند، خلاصه اینکه آیت الله طباطبائی اینطور جواب داده و بعد فرموده هیچ کس حتی از اعراب اصیل و خالص و صحابه و تابعین آنها که همگی آگاه به لغت عرب هستند چنین اشکالی را مطرح نکرده درحالی که اگر چنین استعمالی لغتاً اشکال داشت حداقل یک نفر از آنها باید چنین اشکالی را وارد می کرد اما می بینیم که اینطور نیست تا اینکه نوبت به امثال فخر رازی و صاحب المنار رسیده که در قرون اخیر چنین اشکالی را مطرح کرده اند فلذا چنین اشکال و ایرادی وارد نیست.

اشکال دوم این بود که در صورتی استدلال به این آیه صحیح است که ما "ولی" را به معنای مدیر و مدبر و کسی که می تواند تصرف تدبیری در امور جامعه کند بگیریم درحالی که "ولی" به معنای ناصر و یاور و محب می باشد و در قرآن کریم نیز گفته شده: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾<sup>۴</sup>، منتهی عرض می کنیم که اگر قرار بود اینطور باشد باید کلمه "ولی" در آیه تکرار می شد و نسبت به هر کدام از خدا و رسول و الذین آمنوا یک استعمال جداگانه ای می شد مثل این آیه که کلمه "یؤمن" در آن تکرار شده: ﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذنُ قُلْ أذنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يَوْمَنَ بِاللَّهِ وَيَوْمَنَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۵</sup> که در اینجا اول گفته شده یؤمن بالله و بعد دوباره گفته شده ویؤمن للمؤمنین اما در مانحن فیه اینطور نیست بلکه ولایت در هر سه مورد یعنی خدا و رسول و الذین آمنوا یک جور استعمال شده و یستفاد همان طور که خداوند متعال ولایت دارد همان ولایت را با همان معنی و بدون هیچ محدودیت و قید و شرطی به حضرت رسول و حضرت امیر علیهما السلام نیز داده است و اگر غیر از این بود باید کلمه "ولی" را تکرار می کرد.

مطلب دیگری که آیت الله طباطبائی ذکر کرده این است که ایشان می فرماید ما روایات متواتر و بسیار زیادی از طرق خودمان و از طرق عامه داریم که شاید اگر این روایات نبودند آیه از متشابهات قرآن می شد و همچنین بسیاری از مفسرین و محدثین تا قبل از فخر رازی امثال زنجشیری، احمد بن حنبل، نسئی، طبرانی، طبری، عبد بن حطیم و حتی عمرو بن عاص بوده اند و از طرف ما حضرت باقر و حضرت صادق و حضرت سجاد و حضرت هادی و دیگر ائمه علیهم السلام و ابوذر و ابن عباس و انس بن مالک و عمار و جابر و دیگر روّات بوده اند که همگی گفته اند مراد از الذین آمنوا حضرت امیر علیه السلام می باشد و کلاً در چند علم که بحث این آیه مطرح شده علماء آن علوم مسلم گرفته اند که مراد حضرت امیر علیه السلام می باشد، بنابراین مطلب از طریق ما خیلی روشن است و اختلافی در بین ما وجود ندارد و از طریق عامه نیز این همه اعلام از مفسرین و محدثین عامه گفته اند مراد از الذین آمنوا حضرت امیر علیه السلام می باشد فلذا ما نباید به تعبیر بعضی ها امثال ابن تیمیه لعنة الله علیه در منهاج السنة و تفسیر المنار که گفته اند این روایت در تفسیر آیه ی مذکور که دلالت بر ولایت حضرت امیر علیه السلام دارد مُحْتَلَق (ساختگی و دروغ) است توجه کنیم.

بحث ما در آیات تمام شد و از فردا بحث در روایات را شروع می کنیم إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهرين

<sup>۴</sup> سوره توبه، آیه ۷۱.

<sup>۵</sup> سوره توبه، آیه ۶۱.